

عراق

جدال دنباله دار بر سر نفت و خودمختاری کردها

اوماینته - جان رویانس، حسن زروکی

رهبران عراق از سوی امریکا تحت فشار قرار گرفته اند که قانون اساسی این کشور را هر چه زودتر تدوین کنند. 16 اوت آخرین مهلتی بود که بوش و نومحافظه کاران آمریکایی به رهبران عراق برای رسیدن به توافق داده بودند. با اینحال در این تاریخ توافق قطعی بدست نیامد و دیدگاه های گروه های مختلف همچنان اگر نگوییم در تضاد با هم، لاقلاً دور از هم است. بحث عمدتاً بر سر آن است که عراق یک جمهوری فدرال خواهد بود، یا دولتی متمرکز؟ جمهوری اسلامی یا دولتی لایبیک؟ و بالاخره تکلیف توزیع ثروت نفتی آن کشور چگونه خواهد شد؟

در این هفته دیدارهای رهبران احزاب سیاسی عراق برای دستیابی به یک جمع بندی مورد توافق همگان ادامه یافت اما اختلاف لاقلاً بر سر دو مسئله باقی ماند: فدرالیسم و نقش اسلام در دولت. کردها که مسعود بارزانی رییس جمهور کردستان (در شمال عراق) نماینده آنان است بویژه از موضع خود در مورد فدرالیسم دفاع می کنند. کردها که عملاً از زمان جنگ اول خلیج فارس دارای خودمختاری هستند، معتقدند فدرالیسم وسیله ای است برای باقی ماندن در چارچوب عراق با حفظ ویژگی های زبانی و تاریخی خود. اما خارج از جنبه صرف حقوقی و مواد قانون اساسی، مسئله مرکزی برای مسعود بارزانی حفظ کرکوک، شهر غنی نفتی کردستان است. کردها می خواهند سهم خود را از درآمد نفت داشته باشند و 35 درصد آن را طلب می کنند. آنان این سهم را برای آن می خواهند که منبع لازم برای ایفای نقش در منطقه و آینده عراق برخوردار باشند. از طرف دیگر کرکوک مورد ادعای اقلیت ترکمن نیز هست که آنکارا از آنان پشتیبانی می کند. ضمن اینکه در میان رهبران کرد گرایش هایی برای اعلام استقلال این بخش شمال عراق نیز وجود دارد، بخشی که وضعیتی باثبات تر از بقیه کشور دارد. با اینحال چنین اقدامی به معنای رفتن سریع به سمت درگیری با ترکیه خواهد بود. در این میان زالمای خلیل زاد، سفیر امریکا در عراق و سرپرست واقعی عراق اشغالی اعلام کرده است که مسئله استقلال کردستان در دستور روز نیست.

رهبران سنی اما حتی اگر **خودمختاری کردستان** را هم بپذیرند، حاضر به پذیرش **فدرالیسم** نیستند. آنان خواهان حفظ یک دولت متمرکز مرکزی هستند. سنی ها با آنکه از نظر شمار در اقلیت هستند اما در زمان رژیم بعثی ها تمام اهرم های قدرت را در اختیار داشته اند. اکنون در یک عراق فدرال آنان بدلیل نداشتن راه به ثروت های نفتی و طبیعی در وضعی دشوار قرار خواهند گرفت. برخی تحلیل گران معتقدند این دلیل عمده ادامه مقاومت در مثلث معروف سنی ها در شمال و در غرب بغداد است. اینان می کوشند سپاهیان خارجی را از کشور بیرون رانده و مانع از ادامه روند سیاسی در کشور شوند تا بتوانند از طریق خشونت بر آینده سیاسی آن تاثیر گذارند.

از نظر گروه های شیعی که اکثریت کرسی های پارلمان را در پی انتخابات ماه ژانویه بدست آورده اند، موافقت اصولی بر سر فدرالیسم تنها در صورتی ممکن است که دیگر نیروها بر سر جایگاه اسلام در جامعه عراق امتیاز دهند. گروه های مذهبی تر بالطبع می خواهند که شریعت مانند ایران در عراق نیز حاکم باشد. آیت الله العظمی علی سیستانی، رهبر قدرتمند شیعیان در این

زمینه محتاط بنظر می‌رسد و فرمول حساب شده‌ای را پیشنهاد می‌کند که براساس آن اسلام یکی از منابع قانونگذاری عراق در کنار دیگر منابع خواهد بود. با اینحال این مسئله همچنان مطرح است که ایران چه تاثیری در بحث درباره این مسایل دارد، مسایلی که به هیچوجه جنبه الهی ندارند بلکه کاملاً سیاسی هستند. در مورد زنان هم اگر همه موافقت که 25 درصد کرسی‌های پارلمان آینده باید به زنان اختصاص یابد، جایگاه آنان در آینده کشور هنوز روشن نیست. گروه‌هایی از زنان لاییک در این روزها کوشیده اند صدای خود را به اعضای پارلمان و تدوین کنندگان قانون اساسی برسانند. آیا این صدا شنیده خواهد شد؟ هیچ معلوم نیست. بالاخره پرسش بزرگ دیگر وضعیت توزیع درآمد نفتی در کشوری است که دومین ذخیره نفتی طلای سیاه را در اختیار دارد.

هرچه باشد این زدوبندهای سیاسی بسیار دور از مشکلات مردم عادی است که ناامنی فزاینده و گسترش تجاوز، عملیات انتحاری، ترور و قتل به مسایل زندگی روزمره آنان تبدیل شده است. بقیه مصایب نظیر بیکاری فراگیر، جیره بندی آب، برق و بنزین را هم البته نباید فراموش کرد.